

مروری بر پرونده سازمان ملل متحد در سال ۸۵

سال ناکامی صلح بانان

محمد نوری

خالی نبود. آنها حریفانی همتر از قدرت های شورایی امنیت یافته اند. دست کم هند و ژاپن ۲ مدعی جدی برای دگرگونی در سازمان ملل و سهیم شدن در ساختار قدرت جهانی هستند.

فرصت دوم در جریان اجلاسی فراهم شد که عنوان بزرگترین نشست برای اصلاح ساختار سازمان ملل را پیدا کرد. اندکی پس از آن که این نهاد، جشن ۶۰ سالگی خود را در پایتخت های جهان برگزار کرد؛ دیپلمات های هر ۵ قاره دست به کار شدند تا در اجلاسی بی سابقه بار دیگر بخت و امید خود را برای تغییر این نهاد بیازمایند.

هیجان تغییر سازمان ملل در روزهای سپتامبر ۲۰۰۶ همه رسانه ها و محافل خبری را فراگرفت، تیم دیپلمات ها و سفیران کشورها حدود ۱۰۰ توصیه و لایحه به انگیزه تغییر به این اجلاس بردند. اما نتیجه ای که از ۲ اتفاق مهم و آن ۲ فرصت طلایی در سال ۸۵ به دست آمد، یکسان بود: تب تحول خیلی آسان فروکش کرد و عمارت سازمان ملل همچنان بر پاشنه اراده مؤسسان آن به راه خویش ادامه داد و نسیم دگرگونی در فضای مه آلود نیویورک به فراموشی سپرده شد.

اول ژانویه، کوفی عنان پس از ۱۰ سال کرسی ریاست را به بان کی مون دیپلماتی از تبار کره سپرد. با این جابه جایی، بزرگ ترین خانه تکانی در نظام اداری سازمان ملل انجام گرفت بی آن که تغییری در خط مشی و برنامه های آن اتفاق بیفتد.

به همین ترتیب بحث پردامنه دیپلمات ها حول اصلاح ساختار سازمان ملل در نیویورک پایان گرفت در حالی که نه پیشنهاد سه گانه دبیرکل (برای باز تعریف تروریسم، تعیین چارچوب توسل به زور و افزایش عضویت شورای امنیت) به تصویب رسید و نه انتظار دولت های بزرگی مانند ژاپن، هند، آلمان و برزیل که خود را آماده حضور در باشگاه شورای امنیت کرده بودند، به جایی رسید.

به این ترتیب سازمان ملل در گردش تقویم خود واقعیت های تازه ای از مناسبات حاکم بر قدرت جهانی آشکار ساخت.

کوفی عنان حقوقدان ۶۹ ساله آفریقایی که خود یکی از قدیمی ترین ساکنان عمارت ۳۹ طبقه نیویورک بود، با حالتی از قهر و دلخوری سازمان را برای همیشه ترک کرد تا در پاریس فعالیت تحقیقاتی به دور از عوالم سیاست را آغاز کند. میراث عنان به وزیر خارجه پیشین کره جنوبی و دیپلمات ۶۲ ساله ستولی رسید، فردی که از روز نخست، خود را دوست دیرین آمریکا خواند و در معرفی او، قاطبه ناظران گفتند که بان کی مون، مبیانه چندانی با تغییر و دگرگونی ندارد و هنر بارز مدیریت او «حفظ وضع موجود» بوده است.

اما اتفاق برمعنای این ایام، انتشار آرای شهرنودان و افکار عمومی درباره تغییر سازمان ملل بود که به



متروک در احاطه بحرانهای هزاره سوم سرگردان مانده است.

فرصت نخست، پایان ۱۰ سال رهبری دیپلمات غنایی بر سازمان ملل و فرارسیدن نوبت زمامداری آسیایی ها بر این نهاد بود. آسیایی ها برای پیشقدم شدن و افزایش پرچم تغییر در سازمان ملل سزاوارتر بودند زیرا بیش از ملت های دیگر زخم سلطه و استعمار را بر روح و جان تمدن خویش لمس کرده اند، چنان که یک بار پیش از این، رهبران این قاره با بیرق عدم تعهد برای تغییر در نظام ناعادلانه قدرت خیز برداشته بودند. این بار دستان آسیایی ها برای آغاز روند تغییر

اگر از دیپلمات های مقیم سازمان ملل، به عنوان مرکز دیده بانی جهانی، احوال سال گذشته را جویا شوید، پاسخی قریب به این مضمون خواهید شنید که: سالی دیگر از آرمان بلند صلح و امنیت دور افتادیم. سال ۸۵ می توانست سال دگرگونی در مهم ترین مرکز ستادی-مدیریتی جهان یعنی سازمان ملل باشد. ۲ فرصت طلایی در این سال نهفته بود که انتظار می رفت هر کدام از این فرصت ها سرآغاز یک بازسازی در تنها خانه مشترک ملت ها شود. خانه ای که ۶۱ سال پیش قرار شد تکیه گاه ملت ها در کنترل خوی جاه طلبی بشر باشد و امروز چون جزیره ای